



کف پای من

من امروز به دنیا پا گذاشتم، درحالی که گریه می کردم. خانم پرستار پایم را گرفت، جوهری کرد و روی یک کاغذ فشار داد تا با نوزاد دیگری عوض نشوم. پرستار هم دور دستم یک نوار بست که روی آن نوشته بود:

نام خانوادگی: کاظمی نام مادر: فاطمه قد: ۵۱ سانتی متر

جنسیت: پسر وزن: ۳ کیلوگرم

فکر می کنم، حتماً پدر و مادرم از دیدن کف پایم خیلی خوشحال شدند. چون همان کف پا نشان می داد که من بچه‌ی آن‌ها هستم.

اولین بار که مرا توی بغل مادرم گذاشتند، چشم‌هایم بسته و دهانم باز بود. دائم سرم را به این طرف و آن طرف می چرخاندم. ماما مرا به سینه‌اش فشار داد و گفت:

کوچولوی من، خدا را شکر می‌کنم که تو را به ما داد. به خانواده‌ی ما خوش‌آمدی!
 بعد ادامه داد: چشم‌هایت را باز کن! نمی‌خواهی مادر را ببینی؟
 پرستاری که مرا آورده بود گفت: نوزادها تا دوماهگی درست نمی‌بینند ولی صداها را خوب می‌شنوند.

مرا از بیمارستان به جایی بردند که اسمش خانه بود. در خانه، یک نفر با دیدن من جیغ کشید و بالا و پایین پرید که فکر کنم اسمش «خواهرجان» بود. او لب‌هایش را روی صورتم چسباند و آن‌قدر فشار داد که این بار من جیغ کشیدم. می‌خواست مرا بغل کند که بابا به او گفت: «مواظب سرش باش! نمی‌تواند سرش را نگه دارد. دستت را بگذار زیر گردن بچه!» آن وقت فهمیدم که اسم من بچه است!

چند روز بعد ...

بابا از راه آمد و با خوشحالی گفت: برای حمید شناسنامه گرفتیم. برادر جان گفت: بابا چرا برای من نگرفتی؟ بعد پرید و آن را از دست مادر گرفت و گفت: ببینم، شناسنامه چه شکلی است؟
 مادر جان گفت: بیا ببین، تو خودت هم شناسنامه داری. مواظب باش کثیفش نکنی. خواهرجان پرسید: شناسنامه به چه دردی می‌خورد؟

بابا جواب داد: شناسنامه‌ی هرکس نشان می‌دهد که او کیست؟ و از کدام خانواده است؟ شناسنامه، همچنین نشان می‌دهد که ما ایرانی هستیم.

بعدها، برای خیلی کارها مانند ثبت نام در مدرسه، گرفتن دفترچه‌ی بهداشتی، ازدواج و کار از شناسنامه استفاده می‌کنیم. برای همین باید در نگهداری آن دقت کنیم.

جست‌وجو کنید، بنویسید



برگه‌ی ۱

۱- با کمک پدر یا مادر شناسنامه‌تان را مشاهده کنید و مشخصات خودتان را بنویسید.

نام: نام خانوادگی:

نام پدر: نام مادر:

تاریخ تولد: روز: ماه: سال:

شماره‌ی ملی:

محل تولد: محل صدور شناسنامه:

۲- یک برگ از رونوشت صفحه‌ی اول شناسنامه‌ی خود را به کلاس بیاورید و به معلم نشان دهید.



در کتاب علوم سال اوّل خواندید که همه‌ی موجودات زنده رشد می‌کنند و کامل‌تر و بزرگ‌تر می‌شوند. رشد کردن، **تغییراتی** در موجودات زنده به‌وجود می‌آورد.



شما نیز از زمان تولّد تاکنون رشد کرده‌اید. چه تغییراتی در شما به‌وجود آمده است؟

تغییرات بدن



از زمان تولّد تاکنون، قدّ شما بلندتر و وزن شما بیشتر شده است. از آن زمان چه تغییرات دیگری در بدن شما به‌وجود آمده است؟



تغییر نیازها

وقتی متولّد شدید، به چه نوع غذایی نیاز داشتید؟ برای اینکه نیاز شما برطرف شود، چه می‌کردید؟





وقتی کودکی دوساله بودید، با چه اسباب بازی‌هایی سرگرم می‌شدید؟ آیا بازی‌های امروز شما با دویا سه‌سالگی‌تان فرق دارد؟
آیا تغییراتی در نیازهای شما به‌وجود آمده است؟

تغییر توانایی‌ها



وقتی به دنیا آمدید، خیلی از کارها را نمی‌توانستید انجام دهید. پدر و مادر به شما یاد دادند که راه بروید و حرف بزنید.



آیا می‌توانید بگویید وقتی دویا سه‌ساله بودید چه کارهایی را نمی‌توانستید انجام دهید؟ چه کسانی برای انجام آن کارها به شما کمک می‌کردند؟



امروز چه کارهایی را می‌توانید انجام بدهید که در گذشته نمی‌توانستید؟ این کارها را از چه کسانی یاد گرفته‌اید؟
بله، توانایی‌های شما، تغییر کرده و بیشتر شده است.

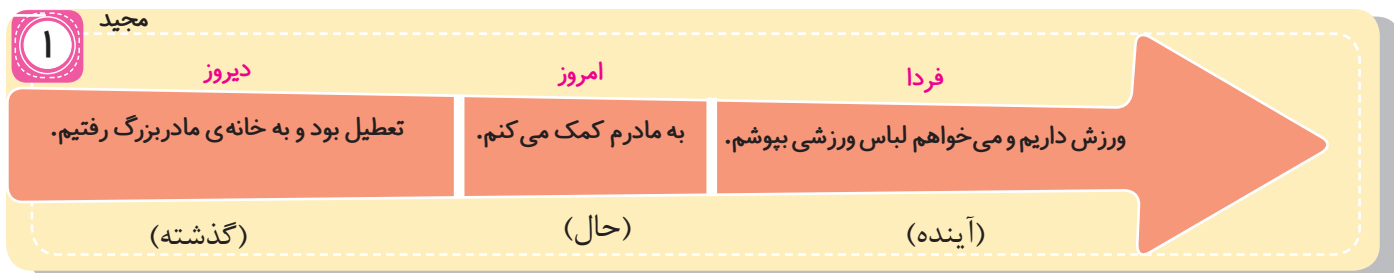
پاسخ دهید



نام دو نفر از کسانی را که به شما کمک کردند تا خواندن و نوشتن یاد بگیرید، بنویسید.

خط زمان

به خط زمان (۱) توجه کنید.



- مجید دیروز چه کاری انجام داده است؟

- مجید امروز چه کاری انجام می‌دهد؟

- مجید فردا چه کاری خواهد کرد؟

اکنون به خط زمان (۲) توجه کنید.



امیر اکنون ۹ سال دارد و در کلاس سوم ابتدایی درس می‌خواند. امیر از گذشته تا به حال تغییراتی کرده است. او بزرگ‌تر شده است.

امیر در آینده نیز بزرگ‌تر خواهد شد. به نظر شما در آینده چه تغییراتی ممکن است برای او پیش بیاید؟

جست‌وجو کنید



۱- از زمان تولد تاکنون تغییراتی در شما به‌وجود آمده است. درباره‌ی تغییرات خودتان هر مدرکی که می‌توانید پیدا کنید و به کلاس بیاورید. (مثل عکس‌ها، لباس‌ها، وسایل و اسباب‌بازی‌ها، نقاشی‌ها، دفتر مشق و تمرین سال‌های قبل و ...).

بگویید، مدرکی که پیدا کرده‌اید، چه تغییری را در شما نشان می‌دهد؟

۲- کاربرگ‌های شماره‌ی (۱) و (۲) را در کلاس انجام دهید.

۳- کاربرگ‌های شماره‌ی (۳) را در منزل کامل کنید و به کلاس بیاورید.

آیا ما مثل هم هستیم؟

درس ۳



به هم کلاسی هایتان توّجه کنید.
آیا به یکدیگر شبیه هستید یا با هم
تفاوت دارید؟



به دوستانم نگاه می‌کنم. بین ما شباهت‌هایی وجود دارد:

همه‌ی ما به غذا، هوا و آب نیاز داریم.

همه‌ی ما چیزهای زیبا را دوست داریم.

همه‌ی ما به محبّت و مهربانی نیاز داریم.

اما، تفاوت‌هایی هم بین ما هست:

برای مثال شکل و قیافه‌ی ما با هم فرق می‌کند،

رنگ مو، رنگ پوست و چشم، قیافه و قد و هیکل افراد با یکدیگر تفاوت دارد.



هرچند، ممکن است بعضی آدم‌ها از نظر قیافه یا خصوصیاتشان خیلی به هم شبیه باشند، ولی هیچ‌وقت
دونفر کاملاً به هم شبیه نیستند.
استعدادها و توانایی‌های انسان‌ها نیز باهم فرق دارد. هرکدام از ما استعدادها و توانایی‌هایی داریم که
باعث می‌شود بعضی کارها را بهتر انجام دهیم.

من و دوستانم به هم شبیه هستیم. همه‌ی ما می‌بینیم و می‌شنویم، غذا
می‌خوریم، می‌خواهیم و بازی می‌کنیم. اما تفاوت‌هایی هم باهم داریم:
مصطفی خیلی خوب انشای نویسد. پوریا آیات زیادی از قرآن را حفظ
کرده است. احمد خوب فوتبال بازی می‌کند. او پسر مهربانی است و به
همه کمک می‌کند.
امید به ساختن کاردستی علاقه‌ی زیادی دارد و کاردستی‌های تشنگی
درست می‌کند.
من همه‌ی دوستانم را دوست دارم. آن‌ها هم مرا دوست دارند.



همه‌ی ما انسان‌ها، آفریده‌ی خداوند هستیم. خداوند ما را با همین شباهت‌ها و تفاوت‌ها
آفریده است.



نام:	نام خانوادگی:	سن:
چند کار را که می‌توانم درست و خوب انجام دهم:		
چند کار که دوست دارم یاد بگیرم:		
چیزهایی که به آن علاقه دارم:		
کتاب:	ورزش:	
سرگرمی یا بازی:	برنامه‌ی تلویزیونی:	
مثال: ورزش: شنا، فوتبال		

اکنون برگه‌ای را که کامل کرده‌اید، با برگه‌ی دوستانتان در کلاس مقایسه کنید. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین شما وجود دارد؟



- ۱- چرا مسخره کردن دیگران کار نادرستی است؟
از معلم خود پرسید خداوند در قرآن در این باره چه فرموده است؟
- ۲- اگر همه‌ی انسان‌ها مثل هم بودند، همه، یک شکل و قیافه داشتند و علاقه‌ها و توانایی‌هایشان کاملاً شبیه هم بود، چه می‌شد؟

برای معرفی خودتان از آنچه در برگه‌ی شماره‌ی (۲) و (۳) نوشته‌اید، استفاده کنید.

کلاس معرفی کنید. برگه‌های دوستتان را با دقت بخوانید و بعد او را معرفی کنید.

مثال:

فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
۱	۶	۴	۰	۴	۲	۱	۰	۵	۰	۲	۳

ستون عکس بچه‌های کلاس یا نام آن‌هایی را که در آن ماه متولد شده‌اند، بچسبانید.

– حالا جمع تعداد بچه‌های متولد هر ماه را حساب کنید و زیر آن ستون بنویسید.

فصل ۲ خانواده



خانواده با ازدواج زن و مرد به وجود می آید. با تولد فرزندان، تعداد اعضای خانواده بیشتر می شود. تعداد اعضای خانواده ها باهم تفاوت دارد.



● این عکس، سعیده را با پدر و مادر و خواهرها و برادر و پدر بزرگ و مادر بزرگش نشان می دهد.



● این عکس، پوریا را با پدر و مادر و برادرانش نشان می دهد.



این عکس خانواده ی رضا است.
او با مادر و خواهرش زندگی می کند. پدر رضا از دنیا رفته است.

گفت و گو کنید



- ۱- به تصویرهای این درس دقت کنید.
 - اعضای هر خانواده چند نفرند؟ بشمارید.
 - به نظر شما چه چیزهای مشترکی در این عکس‌ها وجود دارد؟
 - آیا اعضای این خانواده‌ها همدیگر را دوست دارند و از بودن با هم لذت می‌برند؟
- ۲- الف - شما دوست دارید در یک خانواده‌ی بزرگ زندگی کنید یا خانواده‌ی کوچک؟ چرا؟
ب - به نظر شما خانواده‌ی بزرگ چه خوبی‌هایی دارد؟

پاسخ دهید



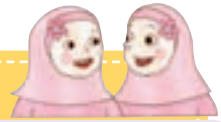
- اعضای خانواده‌ی شما چند نفرند؟ نام اعضای خانواده‌ی خود را بنویسید.

جست و جو کنید



- کاربرگی شماره‌ی (۴) را انجام دهید.
از ۱۰ نفر از هم‌کلاسی‌ها یا بچه‌های مدرسه‌تان بپرسید که خانواده‌شان چند نفره است؟ روی جدول، جلوی اسم هر کس در ستون مربوط به آن علامت × بگذارید.
بعد تعداد × ها را در ستون‌ها، جمع بزنید. حال بگویید در نمونه‌ای که شما تهیه کردید، بیشتر خانواده‌ها چند نفره هستند؟

گفت‌وگو کنید



- ۱- به تصویرهای این درس نگاه کنید. در هر تصویر چه چیزی مشاهده می‌کنید؟
- ۲- به نظر شما در هر تصویر، اعضای خانواده چه گفت‌وگوهایی با هم دارند؟
حالا شما جای هر کدام از افراد حرف بزنید.



۱



محبت



۲

مراقبت از یکدیگر



۳

تفریح و سرگرمی



۴

یادگیری



اعضای خانواده یکدیگر را دوست دارند. پدر و مادر از فرزندان مراقبت می‌کنند. آن‌ها برای آسایش و تربیت بچه‌ها تلاش می‌کنند. اعضای خانواده به روش‌های مختلف، محبت خود را به یکدیگر نشان می‌دهند. به نظر شما بچه‌ها در مقابل زحمات پدر و مادر چه کارهایی باید انجام دهند؟

فکر کنید و پاسخ دهید



- ۱- چرا همه‌ی ما دوست داریم در کنار خانواده زندگی کنیم؟
- ۲- شما چه چیزها یا کارهایی را از پدر و مادران یاد گرفته‌اید؟
- ۳- شما چگونه محبت خودتان را به پدر و مادر یا کسانی که از شما مراقبت می‌کنند، نشان می‌دهید؟